

# پیاده‌روی اربعین حسینی در سیره و سخن بزرگان

عبدالرحیم ابادری

## چکیده

مراسم پیاده‌روی کربلا در روز اربعین، از دیرباز در میان شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم‌السلام اهمیت بسزایی داشته و علما و مراجع نیز همگام با مردم عراق و دیگر سرزمین‌های اسلامی در این مراسم معنوی شرکت می‌کنند. این پیاده‌روی از مسیرهای گوناگون انجام می‌شود که شلوغ‌ترین مسیر، راه سه‌روزه نجف به کربلاست. در طول تاریخ، علمای شیعه در هدایت و ترغیب شیفتگان حسینی به این پیاده‌روی و زیارت اربعین، نقش اساسی داشته‌اند و ضمن ارائه رهنمود، خود نیز در این مراسم شرکت کرده‌اند. علمایی چون آیات عظام ملکی تبریزی، بهجت، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، سیستانی، وحید خراسانی و جوادی آملی با ذکر اهمیت برگزاری هرچه باشکوه‌تر این مراسم، به شرکت شیعیان در آن سفارش کرده‌اند؛ به طوری که از گذشته تاکنون، علمای بزرگ شیعه نیز در کنار مردم در مراسم پیاده‌روی و زیارت اربعین شرکت می‌کنند. در طول مسیر، عشایر حاشیه‌نشین رود فرات با اشتیاق و اخلاص از زائران امام حسین علیه‌السلام پذیرایی می‌کنند.

**واژگان کلیدی:** اربعین، کربلا، پیاده‌روی، علمای شیعه، زیارت.

حضور پرشور طلاب جوان، روحانیون، عالمان بزرگ و استادان برجسته، حتی مراجع تقلید حوزه علمیه نجف در مراسم پیاده‌روی اربعین، جلوه‌ای ویژه به این مراسم بزرگ بخشیده است. البته این مراسم اختصاص به روز اربعین ندارد و معمولاً به مناسبت اول و نیمه رجب، نیمه شعبان و روز عرفه (که روز زیارت مخصوص امام حسین علیه السلام است) نیز انجام می‌شود. اما در ایام اربعین، از شکوه و عظمت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. این مراسم همچنین اختصاص به شهر نجف ندارد؛ بلکه از شهرهای دیگر، مانند بصره، ناصریه، سماوه، بغداد، حله و اخیراً از کشورهای دیگر مانند ایران، لبنان، پاکستان و هندوستان نیز به کربلا می‌آیند.

مراسم پیاده‌روی، معمولاً به صورت فردی، خانوادگی، گروهی و یا به صورت هیئت‌های عزاداری برگزار می‌شود. مسیر نجف به کربلا، دو راه اصلی دارد: یک راه مستقیم که پیشتر از بیابان‌های خشک این منطقه عبور می‌کند و امروزه در حاشیه جاده قرار دارد و مسافت آن، حدود هفتاد کیلومتر است؛ راه دیگر، از کنار رود فرات می‌گذرد و نزدیک به صد کیلومتر می‌باشد و زائران حسینی، معمولاً از این مسیر حرکت می‌کنند و در مدت سه روز، آن را می‌پیمایند. بعضی نیز با سرعت بیشتر و توقف کمتر، این مسیر را در مدت دو روز می‌پیمایند و خود را به حرم حسینی می‌رسانند. برخی نیز از سر عشق و ارادت به ابا عبدالله علیه السلام با پا و سر برهنه، این مسیر را طی می‌کنند.

علمای شیعه در هدایت و ترغیب شیفتگان حسینی به انجام زیارت امام به‌ویژه در اربعین، نقش محوری داشته‌اند و ضمن ارائه رهنمود، خود نیز به این مهم مبادرت می‌ورزیدند.

## رهنمودهای علمای شیعه

آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، با استناد به حدیث علامت‌های پنج‌گانه مؤمن می‌فرمودند:

بر مراقبه‌کننده لازم است که بیستم صفر (اربعین) را برای خود روز حزن و ماتم قرار داده، بکوشد که امام شهید را در مزار حضرتش زیارت کند؛ هرچند تنها یک بار در تمام عمرش باشد.<sup>۱</sup>

آیت‌الله العظمی بهجت فومنی، پیاده‌روی اربعین را بهترین فرصت برای معرفی امام حسین (علیه السلام) به جهانیان دانسته، بر این نکته تأکید می‌کردند که:

الآن هنوز همه مردم عالم، حسین (علیه السلام) را نمی‌شناسند و این تقصیر ماست؛ چون ما برای سیدالشهدا (علیه السلام) طوری فریاد نزدیم که همه عالم صدای ما را بشنود.<sup>۲</sup>

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی نیز بر بُعد تبلیغی زیارت اربعین اشاره نموده، پیاده‌روی این موسم را با احترام به امام حسین (علیه السلام) پیوند می‌زند و تأکید دارد که:

پیاده رفتن، یک نوع اظهار عظمت و تجلیل از مقام شامخ اباعبدالله (علیه السلام) است؛ لذا این پیاده‌روی اربعین خیلی در دنیا صدا می‌کند و تبلیغ خوبی برای عالم تشیع و عالم اسلام است؛ یکی از مبلغ‌های بسیار خوب است.

در نگاه آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی پیاده سفر کردن به کربلا موضوعیت دارد و آن را یک نوع ادای احترام و خضوع و خشوع دانسته و از مصادیق تعظیم شعائر می‌شمارد:

امام حسن و امام حسین (علیه السلام) پیاده به مکه می‌رفتند و این خود، یک نوع احترام است. حتی در روایتی در کتاب بحارالانوار در معجزات امام حسن (علیه السلام) اشاره شده که آن

آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، با استناد به حدیث علامت‌های پنج‌گانه مؤمن می‌فرمودند: بر مراقبه‌کننده لازم است که بیستم صفر (اربعین) را برای خود روز حزن و ماتم قرار داده، بکوشد که امام شهید را در مزار حضرتش زیارت کند؛ هرچند تنها یک بار در تمام عمرش باشد.

در نگاه آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی پیاده سفر کردن به کربلا موضوعیت دارد و آن را یک نوع ادای احترام و خضوع و خشوع دانسته و از مصادیق تعظیم شعائر می‌شمارد.

حضرت در بازگشت از مکه به مدینه، با پای پیاده حرکت می کردند تا بدانجا که پاهای ایشان ورم می کرد ... با این که وسایل عبور و مرور بوده و حضرات هم به آن دسترسی داشتند ... در روایتی معتبر در کتاب کافی، ابن بکیر از امام صادق علیه السلام درباره بیست سفر پیاده حج امام حسن مجتبی علیه السلام سؤال می کند و حضرت در پاسخ اشاره می فرمایند که حضرت با پای پیاده به حج می رفتند در حالی که محمل ها و کجاوه ها همراه حضرت حرکت می کردند.<sup>۳</sup>

آیت الله العظمی سید علی سیستانی که نقش محوری در تعظیم شعائر حسینی عراق معاصر ایفا می نماید، معتقد است:

خداوند مؤمنان را از آن رو به زیارت مشاهد متبرکه ایشان تشویق نموده است که یادشان جادوانه بماند و جایگاهشان اعتلا یابد، و چون آن بزرگواران نمونه اعلای بندگی خدای سبحان و جهاد در راه او و فداکاری برای دین استوارش بوده اند، این امر سبب به یاد آوردن خدای متعال و آموزه ها و احکام او برای مردم باشد.

ایشان بر ارتقای باور و رفتار شیفتگان حسینی نیز تأکید دارند و توصیه مهم شان به زائران اربعین حسینی این است:

از لوازم این زیارت آن است که زائر علاوه بر یادآوری جان فشانی های امام حسین علیه السلام در راه خداوند متعال، تعالیم دین حنیف از جمله نماز، حجاب، اصلاح، گذشت، بردباری و ادب و قوانین آمدوشد و دیگر مفاهیم پسندیده را رعایت نماید تا زیارتش گامی در مسیر تربیت نفس برای پذیرش این امور و تثبیت آثار آن تا زیارت های بعدی باشد. چنین است که شرکت در این مراسم به منزله حضور در مجالس تعلیم و تربیت امام علیه السلام خواهد شد. پس بر زائران است که در مسیر خویش، ذکر خدای متعال را بسیار بگویند و در هر گام و هر عمل خود اخلاص را در نظر داشته باشند و بدانند که خداوند متعال نعمتی همتای اخلاص در عقیده و گفتار و رفتار را به کسی عنایت نفرموده است و عمل تهی از اخلاص، با پایان زندگی دنیوی تمام می شود؛ در حالی که عمل مخلصانه، هم در این دنیا و هم پس از آن، جاودان و مبارک خواهد ماند. خدا را خدا را در رعایت پوشش و حجاب! که از مهم ترین چیزهایی است که اهل بیت علیهم السلام حتی در سخت ترین شرایط کربلا به آن توجه داشته و خود والاترین الگوی آن بوده اند.

ایشان به اندازه آزاری که از هتک حرمت خود دیدند، از هیچ رفتار دشمن آزرده نشدند. لذا بر همه زائران و به‌ویژه بر بانوان زائر فرض است که شرایط عفاف را در رفتار و نوع پوشش و ظاهر خود حفظ نموده و از هر چه این امر را خدشه‌دار می‌کند (مانند پوشیدن لباس‌های تنگ و اختلاط‌های زشت و استفاده از زیورآلات ناروا) بپرهیزند؛ بلکه سزاوار است که به منظور منزّه نگه داشتن این مراسم مقدّس از شائبه‌های ناپسند، تا حد امکان، بالاترین مراتب عفاف را رعایت نمایند.<sup>۴</sup>

آیت‌الله العظمی وحید خراسانی، انجام زیارت به نیابت معصومان علیهم‌السلام را به زائران توصیه می‌نمایند:

سزاوار است کسانی که از ایران مشرف می‌شوند، به نیابت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه‌السلام بروند، و کسانی که از بلاد دیگر به آن حرم شرفیاب می‌شوند، به نیابت سایر معصومین علیهم‌السلام مشرف شوند، و در این سفر پربرکت چون نایب آن مقام رفیع هستند، نظر عنایت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام به آن نایبان به رعایت منوب‌عنه آنان موجب سعادت دنیا و عقبی است.<sup>۵</sup>

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه‌های ایمان است؛ بلکه طبق این روایت، در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. بنابراین همان‌گونه که نماز، ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است، اما مهم آن است که دریابیم نماز و زیارت اربعین انسان را چگونه متدین می‌کند.<sup>۶</sup>

◆ آیت‌الله جوادی آملی معتقد است اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه‌های ایمان است؛ بلکه طبق این روایت، در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است.

## حضور پرشور علما و مراجع

علاقه واشتیاق به این مراسم معنوی در میان مراجع تقلید، استادان، طلاب و روحانیون حوزه علمیه نجف، از شور و حال بیشتری برخوردار است و اکثر استادان و حتی مراجع تقلید، از گذشته تاکنون در مراسم پیاده‌روی و زیارت اربعین شرکت می‌کنند. مرحوم محدث نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ق) مؤلف کتاب «مستدرک الوسایل»، مرحوم سید محسن امین عاملی (م ۱۳۳۱ق) مؤلف کتاب «اعیان الشیعه»، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (م ۱۳۲۱ق) و میرزای نائینی (م ۱۳۱۵ق) از عالمانی هستند که در این مراسم شرکت کرده‌اند.<sup>۷</sup>

مراسم پیاده‌روی در عصر مرجعیت شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۹۸ق) نیز با شکوه تمام رواج داشت و پس از وی، کم‌کم به فراموشی سپرده شد و عملی کم‌ارزش تلقی گردید؛ به طوری که به طبقه فقرا و نیازمندان اختصاص یافت؛ اما بعدها محدث نامدار، میرزا حسین نوری، این مراسم را در میان مردم رونق بخشید. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی که از نزدیک شاهد تلاش استادش بوده، می‌نویسد:

استاد ما چون وضع را بدین منوال دید، به این شیوه خدایسندانه (پیاده‌روی) همت گماشت و به آن ملتزم گشت و در عید اضحی برای حمل اثاث و بار سفر، حیوان کرایه می‌کرد؛ ولی خود و یارانش پیاده راه می‌رفتند و او به دلیل ضعف مزاج، نمی‌توانست مسافت بین نجف - کربلا را با گذراندن یک شب طی کند؛ همان‌طور که رسم چنین بود. بنابراین، سه شب در راه بودند و بر اثر این اقدام، در سال‌های بعد، رغبت مردم و صالحان به این موضوع بیشتر شد و دیگر عار محسوب نمی‌شد؛ به طوری که در برخی سال‌ها، تعداد چادرها و خیمه‌های راه‌پیمایان، به سی عدد می‌رسید و هر چادر به بیست تا سی نفر تعلق داشت و به این ترتیب، این سنت حسنه، دوباره مرسوم شد و رونق گرفت.<sup>۸</sup>

صاحب «اعیان الشیعه» در این باره می‌نویسد:

به مدت ده سال و نیم که در نجف بودم، زیارت‌های مخصوص عاشورا، عید قربان و غدیر و عرفه و اربعین را همواره انجام می‌دادم؛ مگر اندکی پیش از سفر، نزد طلبکاران در بازار می‌رفتم و از آنها حلالیت می‌طلبیدم و به پیاده‌روی در زیارت، علاقه داشتم. نخست برایم سخت بود و بعد با تجربه دریافتم که آسان است. در این سفر، جمعی از طلاب جبل‌عامل و نجف و دیگران به من ملحق می‌شدند و از من پیروی می‌کردند. من بارها پیاده به زیارت کربلا و امام حسین علیه السلام رفتم.<sup>۹</sup>

مرحوم آیت الله ملکوتی یکی از مراجع و استادان برجسته حوزه نجف و قم می گوید:

من نیز چند بار توفیق یافتم که در این مراسم بسیار معنوی، شرکت کنم و اغلب به همراه شاگردان مشرف می شدم. مسیر بین نجف و کربلا که حدود دوازده فرسخ است، معمولاً در مدت دو یا سه روز طی می شد. بعضی ها مثل آقای شیخ هادی زابلی که پیش من درس می خواند، سلیقه خاصی داشت و این مسافت را یک روزه می رفت و یک روزه هم برمی گشت و بعضی ها نیز پس از پایان مراسم، از کربلا به کاظمین و سامراء مشرف می شدند و بعضی هم مستقیم به نجف بازمی گشتند.<sup>۱۰</sup>

حجت الاسلام محتشمی در این باره می نویسد:

از نجف، غیر از مردم عادی و معمولی، علما، فضلا و طلاب و حتی برخی از مراجع مثل آیت الله شاهرودی و دیگران (تازمانی که توان پیاده روی داشتند) نیز دسته دسته و گروه گروه، عازم کربلا می شدند. حوزه نجف دارای چند قافله رسمی معروف و بزرگ بود. در این قافله ها، حدود چهل تا پنجاه نفر عضو ثابت بودند و تعدادی هم در هر مرتبه به آنان اضافه می شدند. برخی از کاروان ها مخصوص و مربوط به بیوت مراجع یا مدارس نجف بود؛ مثل کاروان بیت آیت الله شاهرودی یا کاروان مدرسه قزوینی ها که در چنین کاروان هایی معمولاً فرد غریبه وجود نداشت؛ ولی یکی دو قافله معتبر بودند که طلاب علاقه مند، اغلب با آنها سفر می کردند: یکی قافله منسوب به شهید محراب، حضرت آیت الله مدنی رحمته الله علیه که با توجه به روحیات عارفانه و خصوصیات اخلاقی وی، بسیاری از طلاب وارسته سعی می کردند در محضر او باشند، و دیگری قافله آقای شیخ محمدعلی حلیمی کاشانی که از مدرسه مرحوم آیت الله بروجردی رحمته الله علیه حرکت می کرد و مرحوم آیت الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی رحمته الله علیه با این قافله به کربلا مشرف می شد. آقای حلیمی از علاقه مندان فداییان اسلام، شهید نواب و حضرت امام بود.

مرحوم محدث نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ق) مؤلف کتاب «مستدرک الوسایل»، مرحوم سید محسن امین عاملی (م ۱۳۳۱ق) مؤلف کتاب «اعیان الشیعه»، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (م ۱۳۲۱ق) و میرزای نائینی (م ۱۳۱۵ق) از عالمانی هستند که در این مراسم شرکت کرده اند.

در میان مراجع تقلید، حضور آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی، زبانزد همگان بود. معروف است که وی در این مراسم، نخست با پای پیاده از نجف خارج می شد و به سوی کربلا حرکت می کرد و سپس سایر آقایان، استادان و طلاب هم به دنبال وی به راه می افتادند و وقتی مراسم زیارت تمام می شد، بیشتر زائران از کربلا سوار وسیله نقلیه می شدند و به نجف بازمی گشتند؛ اما آیت الله شاهرودی در بازگشت هم پیاده به نجف بازمی گشت.

فاصله بین نجف و کربلا از راه اصلی و آسفالت، حدود هشتاد کیلومتر و از جاده فرعی و کنار شط فرات و مسیر نخلستان، متجاوز از یکصد کیلومتر است و معمولاً کاروان‌های نجف اشرف، مسیر فرعی و راه کنار آب را انتخاب می‌کردند. من به جز دو سه مرتبه که به صورت شخصی سفر کردم، در بقیه اوقات همراه کاروان آقای حلیمی به کربلا می‌رفتم. حرکت و سیر انفرادی یا همراه با کاروان، هر کدام ویژگی خود را دارد. خوبی حرکت با کاروان، خدمات جنبی بود که از حیث آذوقه و خوراک و حمل بار انجام می‌شد؛ اما کسانی که به صورت فردی حرکت می‌کردند، مجبور بودند راحله و توشه سفر را همراه خود بردارند و در هوای گرم و سوزان عراق، راه رفتن با کوله‌پشتی و بار بسیار دشوار بود؛ ولی کاروان‌ها معمولاً اسب، گاری یا وانت بار بزرگی اجاره می‌کردند و بار و اثاث کاروان را به وسیله آن منتقل می‌کردند و اگر هم کسی در وسط راه از راه رفتن باز می‌ماند، با همین وسیله نقلیه، به محل توقف بعدی برده می‌شد. این کاروان‌ها به صورت دو مرحله‌ای حرکت می‌کردند. مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی قدس سره با آقای اشکوری و آقای سید محمد بجنوردی و برخی از افراد مسن معمولاً در «چفل» ۱۱ ملحق می‌شدند.<sup>۱۲</sup>

## نمونه‌هایی از کاروان‌های پیاده‌روی علما

### ۱. کاروان بیت آیت‌الله شاهرودی

در میان مراجع تقلید، حضور آیت‌الله العظمی سید محمود شاهرودی، زبانزد همگان بود. معروف است که وی در این مراسم، نخست با پای پیاده از نجف خارج می‌شد و به سوی کربلا حرکت می‌کرد و سپس سایر آقایان، استادان و طلاب هم به دنبال وی به راه می‌افتادند و وقتی مراسم زیارت تمام می‌شد، بیشتر زائران از کربلا سوار وسیله نقلیه می‌شدند و به نجف بازمی‌گشتند؛ اما آیت‌الله شاهرودی در بازگشت هم پیاده به نجف بازمی‌گشت.<sup>۱۳</sup> معروف است که این مرجع بزرگ، چهل سفر با پای پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شده است.

### ۲. کاروان شهید آیت‌الله مدنی علیه السلام

شهید محراب آیت‌الله سید اسدالله مدنی، از استادان سرشناس حوزه نجف، یکی دیگر





از عاشقان همیشگی مراسم پیاده روی نجف - کربلا و زیارت حرم اباعبدالله الحسین علیه السلام و یاران‌ش، به خصوص در روز اربعین بود. عالمان و استادان حوزه علمیه نجف، خاطرات خوشی از این شهید بزرگ، در این مراسم باشکوه معنوی دارند. حجت الاسلام والمسلمین شیخ عبدالخالق دشتی، یکی از همراهان وی در یکی از این سفرها می گوید:

یک سال که ماه ذی حجه مصادف با زمستان بسیار سردی بود، همراه شهید آیت الله مدنی از نجف عازم کربلا شدیم تا در روز عرفه، به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شویم. در این سفر مرحوم شیخ علی حجتی کرمانی و مرحوم شیخ احمد کافی نیز آقای مدنی را همراهی می کردند. ما چند فرسخی رفتیم تا این که به یکی از روستاهای عشایر نشین رسیدیم. سپس شخص عربی جلو آمد و از آیت الله مدنی استقبال کرد و به او احترام گذاشت و وی و همراهان را به مضیف خود دعوت کرد؛ چون همه به ویژه سران و شیوخ عشایر، او را به خوبی می شناختند و احترام زیادی برایش قائل بودند. ما شب را همان جا استراحت کردیم و فردا صبح به راه خود ادامه دادیم؛ تا این که به شهر طویرج در ۲۰ کیلومتری اطراف کربلا رسیدیم.

در طول مسیر، هر جا که برای استراحت توقف می کردیم، آقای مدنی چند حدیث می خواند و نکاتی اخلاقی می گفت و گاهی یک بحث علمی مطرح می کرد. در طویرج، او وضع روحی عجیبی داشت و شروع به صحبت کرد. نخست در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام سخنی گفت و حرم امام را به کعبه آمال و آرزوها تشبیه کرد و بعد فرمود: از این جا تا حرم را خوب است به صورت پابرهنه و هروله کنان ادامه بدهیم. با این که او درد پا و کسالت داشت، اما خودش جلو افتاد و آیه **﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾**<sup>۱۴</sup> را که در مراسم حج میان سعی و صفا خوانده می شود، هروله کنان می خواند و جلو می رفت و ما نیز به دنبالش جواب می دادیم. وقتی وارد شهر کربلا شدیم، شهید مدنی فرمود: باید با همین حال خسته و پای آبله زده به حرم مشرف شویم و باز خودش جلو افتاد و با حالت گریه و فریاد «یا حسین»، حرکت کرد و ما نیز به دنبالش حرکت می کردیم و با همین حال، وارد حرم حسینی شدیم. در این حال مراسم زیارت را مرحوم کافی بر عهده گرفت و با اشعار و نوحه خوانی جان گذار، همه را به فیض رساند.<sup>۱۵</sup>

### ۳. پیاده‌روی حاج آقا مصطفی خمینی علیه السلام

آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی نیز از عالمان و استادان نجف بود که همواره در مراسم پیاده‌روی حضوری پیوسته و جدی داشت. او مقید بود که در تمام ایام زیارت‌های مخصوص امام حسین علیه السلام (اول و نیمه رجب، نیمه شعبان، عرفه و به‌خصوص اربعین) پیاده از نجف به کربلا برود و در میان راه، گاهی کف پایش تاول می‌زد و زخمی می‌شد؛ ولی باز هم با شور و شوق تمام، به راه خود ادامه می‌داد و اصرار دوستان را برای سوار شدن به وسیله نقلیه، حتی در قسمتی از راه نمی‌پذیرفت و چون به نزدیک کربلا می‌رسید و نگاهش به گنبد و گل‌دسته‌های حرم امام حسین علیه السلام و پرچم سرخ رنگ آن می‌افتاد، بی‌اختیار اشک از چشمانش سرازیر می‌شد و مصیبت اهل بیت علیهم السلام را زمزمه می‌کرد و به سر و سینه می‌زد و عزاداری و نوحه‌سرایی می‌کرد.<sup>۱۶</sup>

وی در این سفر، بدون توجه به این که فرزند مرجع بزرگ تقلید، امام خمینی علیه السلام است، مانند یک طلبه ساده در خدمت همسفران بود و از کمک به آنان دریغ نمی‌کرد و در هنگام توقف و استراحت نیز به بحث علمی می‌پرداخت. مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسن قدیری که در یکی از سفرها همراه او بود، می‌گوید:

یک بار در پیاده‌روی از نجف به کربلا، خدمت حاج آقا مصطفی خمینی بودم؛ وقتی به باغ‌های نزدیک کربلا رسیدیم، شب را آن‌جا ماندیم. دوستان همه دور حاج آقا مصطفی را گرفتند و او صحبت را شروع کرد و بعد بنا شد هر کدام از رفقا در یک رشته از علوم حوزوی سؤالی بپرسد و وی جواب بدهد. سؤالات بسیاری از فقه، اصول،

یک بار در پیاده‌روی از نجف به کربلا، خدمت حاج آقا مصطفی خمینی بودم؛ وقتی به باغ‌های نزدیک کربلا رسیدیم، شب را آن‌جا ماندیم. دوستان همه دور حاج آقا مصطفی را گرفتند و او صحبت را شروع کرد و بعد بنا شد هر کدام از رفقا در یک رشته از علوم حوزوی سؤالی بپرسد و وی جواب بدهد. سؤالات بسیاری از فقه، اصول،

فلسفه، تفسیر، عرفان و اخلاق از وی پرسیده شد که حدود چهار ساعت به طول انجامید و حاج آقا مصطفی بدون این که مطالعه و مراجعه به کتابی کند، همه را کامل جواب داد که من بسیار متعجب شدم که او این قدر با استعداد است.<sup>۱۷</sup>

آقای محتشمی می گوید:

در اوقات صبح، ظهر و شام، نماز به امامت آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی علیه السلام اقامه می شد و شب هنگام، پس از نماز مغرب و عشاء، دعای توسل و زیارت عاشورا خوانده می شد. اگر شب جمعه در راه بودیم، دعای کمیل و ذکر مصیبت توسط دوستان انجام می گرفت. از خصوصیات مرحوم حاج آقا مصطفی این بود که هر شب، قبل از اذان صبح برمی خواست و به نماز شب می پرداخت. او بسیار خوش مشرب و خوش مسافرت بود و در سفرها با همراهان دوست و رفیق بود و همواره سعی می کرد به کسی سخت نگذرد و مواظب بود کسی عقب نیافتد و جا نماند. در جلسات گفت و شنودی که اغلب شبها رفقای همسفر دور هم جمع می شدند، از هر دری سخنی به میان می آمد و حاج آقا مصطفی، پیوسته متذکر بود و زیر لب اذکاری را زمزمه می کرد. در تابستانها به علت گرمی طاقت فرسای هوا، بعد از اذان صبح حرکت می کردیم و تا دو سه ساعت بعد از طلوع آفتاب، راه می رفتیم؛ سپس در محلی توقف می کردیم و صبحانه و نهار در همان جا صرف می شد و عصر که مقداری از گرمای هوا کاسته می شد، باز حرکت از سر گرفته می شد.<sup>۱۸</sup>

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید تقی درچه ای نیز می گوید:

چندین بار همراه آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی از نجف پیاده به سوی کربلا رفتیم و گاهی سه تا چهار روز، حدود ۲۰ فرسخ در راه بودیم. ما مسیر را از خیابان با وجود کوتاهی راه، به دلیل آفتابی بودن، تغییر داده، از کنار دجله و فرات و داخل نخلستانها که واقعاً باصفا بود، می رفتیم. در این سفرها دوستانی چون آقایان اسلامی، علیان، احسانی، کیانی، حلیمی کاشانی، آقای مجتبی قائمی، آقای حاج آقا نصرالله شاه آبادی و آقای رضوانی که در حال حاضر امام جماعت مسجد حاج سید عزیزالله هستند، همراه بودند. حاج آقا مصطفی با پای برهنه و حتی بدون جوراب، حرکت می کرد و از هر کس مختصر صدایی داشت، می خواست اشعاری را در مقام و عظمت امام حسین علیه السلام

بخواند و با شنیدن این اشعار، خودش طوری منقلب می‌شد که از شدت گریه، شانه‌هایش بالا و پایین می‌رفت. حاج آقا مصطفی خمینی همیشه دیوان شیخ محمدحسین غروی اصفهانی را همراه داشت و وقتی کنار دجله و فرات که دیگر نزدیک کربلا بود می‌رسیدیم، او به اسم کوچک مرا صدا می‌زد تا قسمتی از آن را بخوانم و به محض شروع، مثل کسی که بغضش بترکد، شروع به گریه می‌کرد. در طی چند کیلومتر من زمزمه می‌کردم و جمع دوستان به خصوص حاج آقا مصطفی گریه می‌کردند. ناگهان یکی از دوستان چشمش به گنبد مطهر حضرت امام حسین علیه السلام می‌افتاد و به دنبال آن، موج شوق و گریه در میان جمع بلند می‌شد.

حالت عجیبی داشتیم. پاهای برهنه و تاول‌زده و خون‌آلود، خسته و تشنه، زیر برق آفتاب سوزان و پرچمی سرخ به رنگ خون، ما را به حال و هوای کربلا و ظهر عاشورا می‌برد. شدت گریه‌ها به حدی بالا می‌رفت که همگی نشسته و دیگر نمی‌توانستیم به راه خود ادامه دهیم. جالب بود که مردم روستاها و شهرهای مسیر، به‌ویژه روستای چفل، همه حاج آقا مصطفی خمینی را شناخته بودند که فرزند آقای خمینی علیه السلام است. یک بار قبل از ورود به چفل، متوجه شدیم که حدود ۲۰ نفر به سمت ما در حرکتند. کمی که نزدیک‌تر شدیم، فهمیدیم که آنها برای استقبال از حاج آقا مصطفی آمده‌اند. استقبال عده‌ای از شیوخ و بزرگان آن شهر برای من جالب بود. استقبال کنندگان همه دست حاج آقا مصطفی را بوسیده، با بقیه هم احوال‌پرسی کردند و پشت سر حاج آقا مصطفی راه افتادند. او در جلو و ما هم به دنبال او با استقبال خاصی وارد حسینیه چفل شدیم و از ما پذیرایی کردند. با وجود این که حاج آقا مصطفی گفت قصد نداریم شب را در چفل بمانیم، ولی آنها با اصرار گفتند: باید شب را در چفل بمانید تا ما اجر خدمت کردن به زائرین مرقده امام حسین علیه السلام را ببریم و در مقابل اصرار صمیمانه و عاشقانه سالکان آن حرم باصفا، کوتاه آمده، شب را در چفل ماندیم.

در همان حسینیه جمعیت زیادی از اهالی به زیارت حاج آقا مصطفی آمدند و در بین آنان یکی از منبری‌های معروف عراق که آن شب در چفل بود، یک منبر بسیار عالی رفت و بعد از او هم سیدی یک منبر عربی رفت و خلاصه

شوری به پا شد. فردای آن روز صبحانه خورده، خیلی زود حرکت کردیم. مشایعت اهالی چفل، دیدنی تر از استقبالشان بود و از چفل به دنبال ما راه افتادند و مقدار زیادی از راه، ما را همراهی کردند.<sup>۱۹</sup>

#### ۴. حضور علامه امینی رحمته الله علیه

یکی دیگر از شخصیت‌های برجسته حوزه علمیه نجف که به طور مرتب، در این مراسم شرکت می‌کرد، علامه امینی مؤلف کتاب ارزشمند «الغدیر» بود که در این سفرها، همواره تعدادی از مؤمنین او را همراهی می‌کردند. علامه امینی وقتی به نزدیکی کربلا می‌رسید، حالش منقلب می‌شد و قطرات اشک از چشمانش جاری می‌شد.<sup>۲۰</sup>

#### ۵. حضور امام موسی صدر

امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان که در شهریور ۱۳۵۷ توسط عوامل صهیونیست‌ها ربوده و ناپدید شد، یکی از شیفتگان مراسم پیاده‌روی از نجف به کربلا بود. مرحوم آیت‌الله سید محمدعلی موحد ابطحی، یکی از عالمان بزرگ اصفهان که در نجف با امام موسی صدر هم‌بحث بود، می‌گوید:

وقتی که امام موسی صدر همراه ما با پای پیاده از نجف به کربلا می‌رفت، در این سفر، حضوری عاشقانه داشت و در وقت دعا و زیارت عاشورا، از همه باحال‌تر بود و هنگام گریه، چشمانش از شدت گریه سرخ می‌شد و وقتی نوبت ذکر مصیبت و خواندن اشعار و نوحه‌سرایی به او می‌رسید، با حال جان‌کاهی در مصیبت اهل بیت علیهم‌السلام اشعار فارسی و عربی فصیحی می‌خواند و هنگام کار و حمل اثاثیه سفر، وی بیش از همه کار می‌کرد و هنگام شوخی و مزاح، مزاح‌هایی بیان می‌کرد که بعد علمی و اخلاقی جالبی داشت.<sup>۲۱</sup>

#### استقبال و پذیرایی عشایر از علما

در مراسم پیاده‌روی اربعین، صحنه‌های دیگری نیز شکل می‌گرفت که چشم و دل هر بیننده‌ای را به حیرت و شگفتی وامی‌دارد. در این مسیر روستاهای بسیاری به چشم می‌خورد که بیشتر ساکنان آنها را عشایر و پیروان مذهب شیعه تشکیل می‌دهند و آنان با شوق و علاقه و اخلاص، از زائران امام حسین علیه‌السلام استقبال و از آنان پذیرایی می‌کنند. این عشایر در کنار رود فرات، به کاشت و برداشت برنج و دامداری مشغولند و معمولاً از همین دسترنج

خود، زائران حسینی را اطعام می‌دهند. آنان اعتقاد عجیبی به میهمانان دارند و گاهی دیده شده که گرد خاک پای زائران را به تبرک می‌برند. عشایر حاشیه‌نشین رود فرات، در ایام مراسم پیاده‌روی، چادرهای بزرگی که به آنها «مضيف» می‌گویند، با فاصله‌های معینی در این مسیر برپا می‌کنند و زائران را برای پذیرایی و استراحت، در آنها جای می‌دهند. آیت‌الله مکارم شیرازی که در یکی از این پیاده‌روی‌ها حضور داشته، با اشاره به خاطره پیاده‌روی از نجف به سوی کربلا، در مورد پذیرایی مردم از زوار چنین نقل می‌کنند:

وقتی به یکی از این مُضيف‌ها رسیدیم، صاحب مضيف دعوت و اصرار کرد که مهمان او بشویم و آن‌جا استراحت کنیم. به او توضیح دادیم که چون امروز کم راه رفته‌ایم و باید مسافت بیشتری را طی کنیم، فرصت ماندن نداریم. پس از کمی اصرار او و امتناع ما، ناگهان صاحب مضيف که معلوم بود چند وقتی است مهمان برایش نرسیده و از این بابت خیلی ناراحت است، ناگهان چاقویش را درآورد و تهدید کرد که من مدتی است مهمان برایم نیامده و شما حتماً باید مهمان ما بشوید! این قدر مهمانی کردن زائر امام حسین علیه السلام در نزد اینها اهمیت و ارزش داشت ... البته بالاخره بعد از این که توضیح بیشتری برایش دادیم و قول دادیم که از طرف او زیارت کنیم، اجازه داد

که برویم.<sup>۲۲</sup>

مرحوم آیت‌الله ملکوتی که خود بارها در این پیاده‌روی حضور داشته، در این باره می‌گوید:

وقتی که امام موسی صدر همراه ما با پای پیاده از نجف به کربلا می‌رفت، در این سفر، حضوری عاشقانه داشت و در وقت دعا و زیارت عاشورا، از همه باحال‌تر بود و هنگام گریه، چشمانش از شدت گریه سرخ می‌شد.

این عشایر از نظر اقتصادی چندان وضع مطلوبی نداشتند و کنار فرات، هر کدام مقدار اندکی برنج کاری می‌کردند و غذاهای شان هم اغلب برنج و ماست بود و خورش دیگری

نداشتند و با این همه، نسبت به زائران حسینی و طلاب، بسیار سخاوتمندانه رفتار می کردند و از هیچ چیز مضایقه نمی کردند.<sup>۲۳</sup>

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن رحیمیان از اعضای بیت حضرت امام که سالها در نجف ساکن بود و در این مراسم شرکت می کرده، می گوید:

به هنگام ظهر و مغرب، به هر نقطه که می رسیدی، حق عبور از آنجا را نداشتی؛ چون مالک و ساکن نخلستان بر سر راه ایستاده بود و زائران را به ضیافت خویش فرا می خواند؛ گویی جاده خاکی کربلا را بخشی از حریم خانه خود می دانست و خارج شدن میهمانان را در هنگام ظهر و شب، بدون صرف ناهار یا شام، ننگی بزرگ می پنداشت و گاهی که قصد داشتیم تا پاسی از شب به راه خود ادامه دهیم، عربی روستایی جلو می آمد و اصرار می کرد و اگر نتیجه نمی گرفت، تهدید می کرد و با شدت و غضب، تفنگ خود را آماده شلیک می کرد؛ اما نه برای کشتن میهمانان، بلکه آن را به حاج آقا مصطفی می داد و می گفت: «اگر می خواهید بروید؛ بروید اما از روی نعلش من!» نشانه بزرگی و بزرگواری این عربها، بزرگتر بودن سالن پذیرایی شان بود. سالن پذیرایی یا «مضیف» از نی و شاخه های خرما به صورت کانالی با سقف مدور ساخته می شد و دو سوی آن باز بود و در برابر سرما و گرما کاملاً عایق بود و در تابستان با پاشیدن آب روی آن، هوای درون آن خنک می شد. معمولاً بزرگ خانواده یا عشیره با میهمانان می نشست و جوانها پذیرایی می کردند و برای پذیرایی، بهترین چیزهای خود را در طبق اخلاص می گذاشتند؛ گوسفند می کشتند و سرشیر گاو میش و ماست بر سر سفره می گذاشتند و برای هر نفر کاسه ای روغن حیوانی می آوردند و خلاصه، گویی همه زندگی و امکانات آنان وقف امام حسین علیه السلام و زوار آن حضرت بود.<sup>۲۴</sup>

حجت الاسلام سید علی اکبر محتشمی، یکی دیگر از شاهدان این صحنه های تاریخی در این باره می گوید:

در طول مسیر، روستاهای کوچک و بزرگی بود که مردمش به زراعت، باغداری، پرورش نخل خرما و دامداری اشتغال داشتند. نخلستانها، باغها و مزارع آنها به وسیله نهر فرات، مشروب می شد و بهره برداری از آب نهر فرات به وسیله «ناعور»<sup>۲۵</sup>، انجام می گرفت. هر روستا یک مضیف (میهمان سرا) داشت که در طول سال، به خصوص موسم زیارتی، هر کس از آنجا عبور می کرد، در آن





مضيف از او پذيرايي مي‌شد. مضيف‌ها محوطه بزرگي به صورت مربع مستطيل هستند که ديواره و سقف آنها کاملاً از حصير نخل خرما ساخته شده و وسط آن محوطه، يک اجاق هست که در زمستان‌ها با هيضم مي‌سوزد و چاي و قهوه را نيز در کنار آن اجاق تهيه مي‌کنند. اطراف اين مضيف، فرش‌ها و مخدّه‌هاي عربي پهن شده است. روستاييان عراقي بسيار ميهمان‌دوست هستند. آنان از زائرين امام حسين (عليه السلام) در ميان روز، با چاي، قهوه، شير و دوغ پذيرايي مي‌کردند و به هنگام ظهر و شام نيز با ذبح گوسفند و طبخ غذا، از آنان به گرمي استقبال مي‌کردند. آقاي حليمي سعي مي‌کرد در وسط راه، خود خيمه برپا کند و به سبک ايراني، غذا تهيه کند؛ ولي در طول مسير، بالاخره مواردی اتفاق می‌افتاد که بر اثر اصرار فوق‌العاده روستاييان، مجبور به پذيرش دعوت و اقامت در آن ميهمان‌سرا مي‌شديم. قافله‌ها معمولاً اين مسير را طی پنج تا شش روز مي‌پيمودند؛ ولي افرادی که به صورت انفرادی حرکت مي‌کردند، در مدتي کمتر از سه روز به کربلا مي‌رسيدند.<sup>۲۶</sup>

مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمين سيد تقی در چه‌ای در اين باره مي‌گويد:

ارادت عراقي‌ها به زائران امام حسين (عليه السلام)، قابل توجه و تقدير است. آنان به تمام زائران اباعبدالله (عليه السلام) عرض ادب مي‌کردند؛ تا جايي که بعضی‌ها مثلاً برای کارواني از زائرين، گوسفند قرباني کرده، آبگوشت مي‌پزند. من در اين نوع سفرها، صحنه‌هاي زيبايي از خلوص اين مردم را ديدم. گاهي روستاي آنها با جاده چند كيلومتر فاصله دارد، اما با اين حال، به کنار جاده مي‌آيند و يک منبع يا يک مشک دوغ آن‌جا مي‌گذارند و کنارش با نان و پنير، از زائران پذيرايي مي‌کنند. يا در مسير راه، اسپند دود مي‌کنند. گاهي هم زن‌هاي روستايي با وجود دوري راه، شيريني نذري تهيه کرده، در ميان کاروانيان توزيع و تقسيم مي‌کنند؛ به‌ويژه قرباني کردن گوسفند در مقابل کاروانيان، بسيار مرسوم است. در يکي از اين سفرها، يک خانم و آقايي که با الاغ از مزرعه به کنار جاده آمده بودند، با اصرار زياد ما را به منزل خود بردند که زندگي فقيرانه‌اي داشتند و با اين که هوا سرد بود، اتاق خود را در اختيار ما گذاشتند. ما هم بدون اين که متوجه شويم، شب را خوابيديم و فردا صبح که بلند شديم و هوا روشن شد، متوجه شديم که آن پيرزن و پيرمرد در گوشه‌اي از حياط در سرما و سوز، شب را به صبح رسانده‌اند و معلوم شد که آنها تنها اتاق خود را در اختيار ما گذاشتند.<sup>۲۷</sup>

## سخن پایانی

با همه فشارها و قتل‌عام‌هایی که در زمان رژیم بعثی عراق نسبت به زائران اربعین حسینی انجام گرفت، هرگز نتوانست مانع این مراسم پیاده‌روی شود و هر سال که گذشت، بر شعاع و عمق این مراسم افزوده شد. امروز که شاهد سرنگونی رژیم صدام هستیم و مردم عراق دوران استقلال و آزادی خود را تجربه می‌کند، روزبه‌روز شاهد رشد، شکوفایی و بالندگی هر چه بیشتر مراسم پیاده‌روی اربعین به سوی کربلا هستیم. به گزارش دفتر رسانه‌ای حرم مقدس کربلا، در اربعین سال گذشته (دی ماه ۱۳۹۲) زائران حسینی که اغلب آنان با پای پیاده به کربلا آمده بودند، نزدیک به بیست میلیون و هفتصد هزار نفر بودند و شمار زیادی از مردم بصره، مسافت ششصد کیلومتری این شهر با کربلا را پیاده طی کرده بودند. البته حضور پرشور و میلیونی مردم ایران نیز ستودنی بود. جالب این که پذیرایی این جمعیت، توسط مردم عراق و به صورت سنتی و در همان چادرهای محلی (مضيف) انجام گرفت. این در حالی است که مراسم سالانه حج تمتع در مکه، حداکثر با حضور سه میلیون نفر برگزار می‌شود.

♦ ارادت عراقی‌ها به زائران امام حسین علیه السلام قابل توجه و تقدیر است. آنان به تمام زائران اباعبدالله علیه السلام عرض ادب می‌کردند؛ تا جایی که بعضی‌ها مثلاً برای کاروانی از زائرین، گوسفند قربانی کرده، آنگوشت می‌پزند.

♦ به گزارش دفتر رسانه‌ای حرم مقدس کربلا، در اربعین سال گذشته (دی ماه ۱۳۹۲) زائران حسینی که اغلب آنان با پای پیاده به کربلا آمده بودند، نزدیک به بیست میلیون و هفتصد هزار نفر بودند و شمار زیادی از مردم بصره، مسافت ششصد کیلومتری این شهر با کربلا را پیاده طی کرده بودند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه کریم فیضی، صفحه ۸۵.
۲. سایت تابناک، ۲۹ آذر ۱۳۹۲.
۳. سایت شفقنا.
۴. سایت آیت‌الله سیستانی، قسمت پرسش و پاسخ.
۵. سایت شفقنا.

۶. سایت شیعه‌نیوز.
۷. جواد محدثی، فرهنگ زیارت، ص ۲۵۰.
۸. آقابزرگ تهرانی، نباء البشر، ج ۱، ص ۳۴۹؛ رضا مختاری، سیمای فرزندگان، ص ۱۹۳.
۹. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۵۹.
۱۰. خاطرات آیت‌الله ملکوتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۷۴.
۱۱. «چفل» یا همان ذوالکفل، نام یکی از پیامبران است که در این مکان دفن شده و مردم منطقه به آن چفل می‌گویند.
۱۲. خاطرات سید علی اکبر محتشمی، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.
۱۳. همان، ص ۱۷۵.
۱۴. بقره، آیه ۱۵۸.
۱۵. مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عبدالخالق دشتی، یکی از روحانیون سرشناس و از بزرگان شهر گناوه.
۱۶. محمد حسن رحیمیان، حدیث رویش، ص ۱۴۹.
۱۷. پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ ایثار و شهادت.
۱۸. خاطرات سید علی اکبر محتشمی، ص ۱۲۳ و ۱۸۳.
۱۹. در وادی عشق، خاطرات حجت‌الاسلام سید تقی درچه‌ای، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۸۵.
۲۰. علامه امینی، جرعه نوش غدیر، ص ۴۰.
۲۱. عبدالرحیم اباذری، امام موسی صدر امید محرمان، ص ۱۷۶-۱۷۸.
۲۲. سایت شیعه نیوز، کد خبر ۴۹۹۷۹.
۲۳. خاطرات آیت‌الله مسلم ملکوتی، ص ۱۷۵.
۲۴. حدیث رویش، ص ۱۴۹.
۲۵. «ناعور» یک دستگاه آب‌کشی است که به صورت چرخ و فلک داخل آب قرار می‌گیرد و به اطراف آن سطل‌های متحرکی متصل است.
۲۶. خاطرات سید علی اکبر محتشمی، ص ۱۲۴.
۲۷. در وادی عشق، همان.